

مجازات توهین به مقدّسات از دیدگاه فقه اهل بیت علیهم السلام و احناف

□ محمدابراهیم تابش *

چکیده

توهین به مقدّسات اسلامی از دیدگاه فقه اهل بیت علیهم السلام و احناف دارای مجازات حدی و تعزیری بیان شده که اکثر مصادیق مقدّسات اسلامی از دیدگاه فریقین در این تحقیق مورد بررسی قرار داده شده و انظار فقهای هر یک از مذاهب در بخش مشترکات و اختصاصی به شیوهی توصیفی تحلیلی بیان شده است. یافته‌های تحقیق بر این شده، توهین به خداوند، ملائکه، انبیاء الهی و قرآن، از دیدگاه فریقین دارای مجازات حدّ قتل است، با این تفاوت که از دیدگاه فقهای اهل بیت دوتا مبنا که ارتداد و حدّ مستقل باشد ذکر شده است، به طور قطع کشته می شود چه اینکه توبه کند یا نه و چه اینکه مسلمان باشد یا کافر ذمی، از دیدگاه فقهای احناف کشتن آن وابسته به عدم توبه و مسلمان بودن توهین کننده است؛ توهین به ائمه معصومین علیهم السلام و فاطمه زهرا علیها السلام از دیدگاه اکثری فقهای امامیه مثل توهین به پیامبر است و از دیدگاه احناف دایر مدار صدق صحابه رسول الله است. اکثر فقهای احناف در توهین به صحابه رسول خدا صلی الله علیه و آله مجازات قتل را قائل شده و از دیدگاه فقهای امامیه توهین به بعض اصحاب رسول الله دارای مجازات تعزیری بیان شده است. از جمله موارد اتفاقی که مجازات آن از باب ارتداد دارای قتل بیان شده قذف امّ التّبی است که فقهای امامیه قذف امّ الأئمه را هم به آن ملحق کرده است. از موارد اختصاصی فقه اهل بیت، ائمه معصومین، مشاهد مشرفه و اشخاص دیگر که از تقدّس و احترام بیشتر برخوردار باشد ذکر شده و موارد اختصاصی فقه احناف، ازواج النبی، خلفای راشدین و صحابه، بیان شده است.

کلیدواژه‌ها: مجازات، توهین، مقدّس، امامیه، احناف.

مقدمه

قبل از اینکه به توضیح بعضی کلمات و تبیین مباحث پرداخته شود مقدماً توضیح دو مطلب لازم است، ۱. توهین به مقدّسات اسلامی چنانچه در قانون مجازات اسلامی ایران آمده از جرائم و مجازات غیر قابل گذشت است احتیاج به شکایت شاکی ندارد، برخلاف توهین ساده و معیار در تشخیص آن که چه گفتار یا کردار از مصادیق توهین به مقدّسات هست یا خیر، به ملاک‌های عرفی باید مراجعه کرد و عرف در اینجا قاضی و رهنما خواهد بود، (زراعت، ۱۳۸۱: ۱۴۷).

۲. در اینکه چه معیار برای تشخیص مقدّسات اسلامی هست که به واسطه آن مقدّسات اسلامی را از غیر آن تشخیص داد؟ گفته شده: اهانت به اشخاص یا اشیای مقدّس که مورد احترام دین مبین اسلام باشد به قسم که اهانت به آن مستلزم اهانت به اسلام باشد و تقدّس آن مورد قبول همه‌ی مسلمانان یا مشهور آنان باشد، (زراعت، ۱۳۸۱: ۱۴۹)، از مقدّسات اسلامی به حساب می‌آید. با در نظر داشت این مطالب در ابتدا به توضیح واژه‌ها و سپس به تبیین مجازات توهین به مقدّسات اسلامی از دیدگاه فقه امامیه و احناف پرداخته خواهد شد.

الف) مفاهیم

تبیین مفاهیم واژه‌های یک تحقیق نقش اساسی در فهم درست از آن تحقیق دارد، لذا در ابتدا واژه توهین و سپس واژه مقدّسات آورده خواهد شد.

۱. مفهوم توهین

در لغت: توهین واژه عربی، مصدر متعدّی از باب تفعیل است، در لغت به معنی سست کردن، ضعیف کردن و خوار خفیف کردن آمده است (عمید، ۱۳۷۵، ج ۱: ۶۴۳).

در اصطلاح: واژه توهین به رفتار (اعم از فعل، گفتار، اشاره یا نوشتار) دلالت دارد که بتوان به نحوی موجب وهن حیثیت کسی در نظر افراد متعارف و معمولی جامعه شود (صادقی، ۱۴۰۲: ۱۳). مصداق بارز توهین: فحاشی و استعمال الفاظ رکیک است که عمل توهین از دیدگاه منابع دینی مذموم دانسته شده، در آیات کثیر از قرآن به این مطلب اشاره شده است، از جمله در سوره

همزه خدای متعال از عیب جویی و هرزه زبانی منع نموده است «وَيْلٌ لِّكُلِّ هُمَزَةٍ لُّمَزَةٍ» (همزه: ۱) یا در آیه دیگری از مسخره دیگران منع نموده است: «لَا يَسْخَرُ قَوْمٌ مِنْ قَوْمٍ» (حجرات: ۱۱)؛ و حتی از دشنام دادن به معبود کسانی که غیر خدا را می خوانند منع نموده است: «وَلَا تَسُبُّوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ» (انعام: ۱۰۸). و یا اینکه در حدیث داریم امیرالمؤمنین اصحاب خودش را از دشنام به سپاه معاویه منع کردن، گفتن من دوست ندارم شما اهل فحاشی باشید، (اُئی اکره لکم ان تکنو سبّابین) (نهج البلاغه، خطبه: ۲۰۱). بر اساس قانون مجازات اسلامی ایران عمل توهین به توهین ساده و مشدّد تقسیم شده است که برای هرکدام از آن ها مجازات معین پیشنهاد شده است.

۲. مفهوم مقدّسات

در لغت: مقدّسات جمع تأنیث (مقدسه) و مصدر آن کلمه تقدس است، مقدّس به معنای پاک پاکیزه، منزّه، مرد خدا که از منهیات بپرهیزد، پارسا و آنچه از نظر دینی مورد توجه و تقدیس قرار گیرد، آمده است، (معین، ۱۳۷۱: ۴۲۹۱).

در اصطلاح: در استعمالات فقهی به دوران معنای لغوی خود نبوده به همان معنا استعمال می شود، لکن در استعمالات عرفی به مصادیق عام و خاص استعمال شده است مصداق عام آن مطلق هر چیز که مورد احترام باشد مثلاً گفته می شود: اهداف مقدّس، لباس مقدّس، نظام مقدّس، ساحت مقدّس، دفاع مقدّس و ... این موارد از مصادیق مقدّسات اسلامی به حساب نمی آید و موارد خاص آن از مقدّسات اسلامی بوده و مورد پذیرش همگانی است چنانچه در تحلیل از مقدّسات اسلامی در قانون مجازات اسلامی ایران گفته شده است: حقوق دانان هنگام بحث پیرامون جرم اهانت به مقدّسات اسلام راه احتیاط را پیموده و به مصادیق مشهور و غیر اختلافی بسنده می کنند تشخیص مقدّسات با نظر فقها و عرف است، (گلدوزیان، ۱۳۸۰: ۴۹۵). در نوشته های فقهی و حقوقی تعریف جامع از مقدّسات اسلامی دیده نشده و بیشتر به مصادیق آن پرداخته شده است، از دیدگاه حقوقی تعریفی را که یکی از حقوق دانان برای این واژه ارائه کرده چنین است: منظور از مقدّسات اسلام در درجه اول ذات باری تعالی و پس از آن همه ی

مکان‌ها، اشیاء و اشخاصی هستند که از لحاظ موازین دین اسلام مقدّس و قابل احترام محسوب می‌شوند (صادقی، ۱۴۰۲: ۵۷).

۳. مفهوم مجازات

در لغت: به معنای جزا دادن، پاداش و کیفر آمده است، (عمید، ۱۳۷۵: ۱۰۵۸).
در اصطلاح: در قانون به معنای تحمیل رنج و محرومیت عمدی به انسان مسئولی است که به دلیل نقض قوانین کیفری به موجب حکم مرجع قضایی صلاحیت‌دار مجرم شناخته شده است، (ارده بیل، ۱۴۰۱، ۱: ۵۴). مجازات در فقه به عنوان عقاب، معاقبة و عقوبت استعمال شده است که به معنایی جزای سیئات و اعمال قبیح انسان می‌باشد، (ابن منظور، ۱۴۱۴ ق، ۱: ۶۱۹). عقوبت به دو قسم اخروی و دنیوی تقسیم می‌شود که عقوبت دنیوی در فقه، عبارت از حدود، دیات، قصاص و تعزیرات می‌باشد. با روشن شدن این مفاهیم در ابتدا به مجازات توهین به مقدسات مشترک بین فقه امامیه و احناف پرداخته و سپس به مجازات توهین به مقدسات اختصاصی هریک از مذاهب پرداخته خواهد شد.

ب) مجازات توهین به مقدسات مشترک

مقدسات مشترک در نزد امامیه و احناف عبارت است: از خداوند متعال، ملائکه، انبیای الهی ﷺ، پیامبر اسلام ﷺ، ام‌النبی ﷺ، امام علی ﷺ، صحابه، دین اسلام، قرآن، کعبه، مسجد و موارد دیگر است که اهمّ آن‌ها موارد مذکوره است، توهین به هر یک از موارد مذکوره از دیدگاه فریقین مورد بحث قرار خواهد گرفت، از دیدگاه اسلام، ذات پاک خداوند اولین و مهم‌ترین مصداق قداست است، به گونه‌ای که قداست سائر مقدسات ناشی از قداست خداوند بوده حتی میزان قداست هریک از مقدسات در اسلام وابسته به میزان تقرب به خداوند و منزلت آن‌ها در نزد پروردگار ربوبی هست چنانچه گفته شده: قداست از مفاهیم تشکیکی بوده که دارای مراتب شدت و ضعف هست قداست خداوند منشأ برای سائر مراتب مقدسات می‌باشد (رضایی، ۱۳۹۳: ۵۰).
از دیدگاه فقهای امامیه کسی که به خداوند دشنام دهند و یا استهزا کنند، کافر و مستحق قتل است، چنانچه اختلاف در این مسئله دیده نشده است،^۱ (مرعشی نجفی، ۱۴۱۵ ق، ج ۱: ۳۲۳).

علامه حلی در این مورد فرموده: کسی که خدای تعالی را سب کند یا خداوند را مستقیماً یا به سبب آیات، یا رسل یا کتب او مسخره کند، فرق ندارد که این عمل را به طوری جدی یا شوخی انجام داده یا پیامبر یا یکی از ائمه معصومین علیهم السلام را سب کند، کافراست و برای شنونده آن جایز است که او را به قتل برساند، در صورت که بر جان یا مال خود یا بعض مؤمنین نترسد^۲ (علامه حلی، ۱۴۲۰ ق، ج ۵: ۳۹۶) و همین طور مجازات توهین کننده‌ی به ملائک و انبیای الهی را نیز قتل دانسته است، چنانچه صاحب جواهر بعد از اینکه ارتداد ساب پیامبر یا عیب گیری و بدگویی به آن حضرت را نقل قول می کند، سب به ائمه معصومین، انبیایی الهی و ملائکه را نیز موجب ارتداد دانسته است^۳ (نجفی، ۱۴۰۴، ج ۶: ۵۶).

مثل دیدگاه مذهب اهل بیت در این موارد مذکوره مذهب احناف توهین به خدا، رسول و ملائکه را موجب ارتداد دانسته و مستحق القتل می داند، تنها فرق که با مذهب امامیه و دیگر مذاهب در این مسئله دارد این است، امامیه، حنبلیه و مالکیه توبه‌ی چنین مرتد را قابل قبول ندانسته مطلقاً واجب القتل می داند، اما شافعیه و حنفیه در صورت توبه نمودن، توبه‌ی چنین فرد را قابل قبول دانسته و واجب القتل نمی داند^۴، (جزیری، ۱۴۱۹ ق، ج ۴: ۳۰۱). فرق دیگری که مذهب احناف در سب النبی با مذهب اهل بیت دارد این است بر اساس مذهب اهل بیت ساب النبی چه مسلمان و چه کافر ذمی باشد واجب القتل است اما حنفیه قائل است مسلمان بجهت ارتداد واجب القتل است اما کافر ذمی تعزیر می شود^۵، (شریف مرتضی، ۱۴۱۵ ق: ۴۸۰). در حاشیه ردّ المحتار ابن عابدین حنفی آمده: کسی که یکی از انبیاء را یا ملائک را دشنام دهد کافر مرتد است اگر توبه کرد کشته نمی شود در غیر آن کشته می شود، (ابن عابدین حنفی، ۱۴۲۶، ج ۴: ۴۲۰).

در مورد توهین به مادر پیامبر صلی الله علیه و آله در میان فقهای امامیه اختلافی است بعض از فقها همان حکم سابّ پیامبر را در مورد مادر پیامبر هم جاری دانسته و بعض دیگر حکم سابّ پیامبر را فقط در قذف مادر پیامبر جاری دانسته است، صاحب جواهر از کتاب تحریر علامه حلی نقل می کند: که علامه در حکم سابّ النبی، مادر پیامبر و دخترانش را از غیر اختصاص به فاطمه زهرا علیها السلام بجهت مراعات قدر و منزلتش دانسته است و در ساب مادر پیامبر، نیز حکم ارتداد جاری می شود و ایشان می فرماید: حکم ارتداد نسبت به قذف فاطمه زهرا علیها السلام و قذف مادر

پیامبر که آلوده به نجاست جاهلیت نشده جاری است، اما حکم ارتداد در سب فاطمه علیها السلام بجهت علم داشتن به احترام آن حضرت (مثل اولادش ائمه طاهرین) جاری است، اما این حکم ارتداد در سب غیر فاطمه زهرا علیها السلام در صورتی است که به سب نبی برگردد، یعنی سب مادر پیامبر سب خود پیامبر باشد^۶ (نجفی، ۱۴۰۴، ج ۴۱: ۴۳۷). صاحب جواهر به طور مطلق مجازات سب امّ النبی را قتل ندانسته فقط در صورت نسبت قذف به مادر پیامبر و سب مادری پیامبر که سب پیامبر گفته شود حکم ارتداد را جاری دانسته است. بنا براین یک مطلب مورد اتفاق در بین فقهای امامیه این است که در توهین به امّ النبی فقط قذف مادر پیامبر موجب ارتداد قاذف می شود و حکم آن قتل است نه حد قذف، سؤالی که ممکن است در اینجا ایجاد که بر طبق مذهب امامیه در قذف مادر پیامبر حکم مرتد فطری (مطلقاً قتل) جاری می شود؟ یا حکم مرتد ملی (در صورت عدم توبه قتل) جاری می شود؟ جواب این است که هرکدام از این ها حکم متفاوت نسبت به دیگری دارد و چنین بیان شده است، شهید اول در لمعه فرموده: قاذف امّ النبی اگر مرتد فطری باشد مطلقاً (چه توبه کند یا نه) کشته می شود، شهید ثانی در شرح آن فرموده: در قذف امّ النبی، مشهور این است توبه مرتد فطری قبول نمی شود و اقوی قبول توبه اوست و لکن به هر حال کشته می شود، اگر مرتد ملی باشد، توبه او به اجماع قبول می شود و این حکم برخلاف سب امّ النبی است که ظاهر نص و فتوی وجوب قتل است، چه مرتد فطری و یا ملی باشد و ظاهر حکم فقها این است که این حکم در سب امام معصوم هم جاری است^۷ (شهیدالثانی، ۱۴۱۰، ج ۹: ۱۹۶). چنانچه بیان شده از دیدگاه فقه امامیه توهین به پیامبر اسلام و دیگر انبیای الهی و امام علی علیه السلام مجازات آن قتل است و مجازات توهین به صحابهی رسول خدا صلی الله علیه و آله تعزیر است^۸، (مغنیه، ۱۳۷۹، ج ۶: ۲۷۷). راجع به مجازات توهین به امیرالمؤمنین که قتل دانسته شده است روایات متعدد و جود دارد که از باب نمونه یک روایت که از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله نقل شده در اینجا ذکر می شود: من سب علیاً فقد سبّنی و من سبّنی فقد سبّ الله و من سبّ الله و سبّ نبیه فقد کفر و یجب قتله (شیخ طوسی ۱۴۰۷، ج ۵: ۳۴۰).

از دیدگاه فقه احناف مجازات قاذف امّ النبی قتل دانسته شده به شرط عدم توبه، برخلاف مالکی و حنبلی که توبه قاذف امّ النبی را موجب اسقاط قتل نمی داند، (ابن عابدین حنفی، ۱۴۲۶

ق، ج ۴: ۴۱۸). توهین به صحابه رسول الله از دیدگاه بعض فقهای احناف مجازات آن قتل است چنانچه سرخسی فرموده: حتی اشکال کردن به صحابه مساوی کفر است و در صورت عدم توبه راه چاره‌ی آن‌ها شمشیر است، (سرخسی، بی تاج ۲: ۱۳۴).

علاءالدین حنفی گفته: اگر کسی صحابه را سب کند، بالاجماع فاسق و بدعت‌گذار است، برای دفع شرش باید کشته شود^۹، (علاءالدین، ۱۴۱۵ ق، ج ۱: ۵۸۱). اقوال صریح در توهین به امیرالمؤمنین از دیدگاه فقهای احناف برای نویسنده یافت نشد، ولیکن بر اساس اقوال فقهای احناف، می‌توان گفت، مجازات توهین به امیرالمؤمنین به طریق اولی در نزد علمای احناف کمتر از مجازات توهین به صحابه نیست و امیرالمؤمنین از مصداق کامل و بارز صحابی رسول الله است و حال آنکه مجازات توهین به امیرالمؤمنین در نزد حنفی‌ها مساوی با مجازات توهین به خلفا راشدین که بعداً به آن پرداخته می‌شود خواهد بود.

اما مجازات توهین به قرآن و کعبه از دیدگاه فقهای امامیه بازهم قتل دانسته شده است در بخش از استفتائات از مراجع معاصر مجازات توهین به قرآن چنین آمده: توهین به خدا و کتاب آسمانی قرآن و یا به انبیاء و ائمه علیهم‌السلام مایه‌ی ارتداد است و در غیر این صورت تعزیر می‌شود، (سبحانی، ۱۳۸۹، ج ۳: ۵۴۳). در اینکه توهین و فحاشی به قرآن در چه صورت موجب ارتداد می‌شود آقای مکارم فرموده: توهین و فحاشی به قرآن اگر از روی علم و عمد باشد مرتد می‌شود و بر دیگران لازم است که نهی از منکر کنند، (مکارم، ۱۴۲۷ ق، ج ۱: ۳۶۳). آلوده کردن خانه‌ی کعبه به نجاست که یک نوع توهین به آن است از دیدگاه مراجع موجب قتل دانسته شده است چنانچه فرموده: توهین به سایر مقدّسات فقط تعزیر دارد؛ ولی در خصوص آلوده کردن خانه کعبه به نجاست، روایات متعدّدی داریم که حکم آن قتل است، (مکارم، ۱۳۸۳: ۱۷۱). یا در جای دیگر بیان شده: از دیدگاه فقه اهل بیت علیهم‌السلام هتک حرمت مکان‌های مقدس دارای شدّت و ضعف است بعض مکان‌ها مثل کعبه قدّاست اش بیشتر و احترام به آن از همه بالاتر است، مجازات توهین به آن قتل دانسته شده است اما مجازات توهین به مسجدالحرام و دیگر مساجد به دست حاکم شرع است که تعزیر می‌شود،^{۱۰} (سهلانی، ۱۳۸۷: ۷۲).

توهین به قرآن در نزد احناف هم موجب کفر دانسته شده است ایشان قائل است: انکار

آیهی از قرآن، استهزا به قرآن، پا گذاشتن از روی استخفاف در هنگام حلف به قرآن، زدن دف و نی هنگام قرائت قرآن، موجب کفر انسان می شود، در ابتدا توبه داده می شود اگر توبه نکرد مجازات آن قتل است، (ابن نجیم حنفی، ۱۴۲۲ ق، ج ۵: ۱۹۶-۱۹۷)؛ اما مجازات توهین به کعبه و مساجد از دیدگاه احناف نویسنده به آن دست رسی پیدا نکرده است و احتمال براین است که دیدگاه ایشان در این دوتا مورد خیلی بعید از دیدگاه فقهای امامیه نباشد، (والله اعلم).

ج) مجازات توهین به مقدسات خاصه مذهب اهل بیت علیهم السلام

از مقدسات خاصه در نزد مذهب اهل بیت علیهم السلام می تواند ائمه معصومین علیهم السلام مشاهد مشرفه و امامزاده ها و افراد خاص دیگر دانست، ائمه معصومین شامل دوازده امام و فاطمه زهرا سلام الله علیها می شود، چنانچه بیان شد اکثر فقهای امامیه سب دوازده امام معصوم علیهم السلام و فاطمه زهرا علیها السلام را ملحق به سب نبی دانسته موجب قتل می داند، آقای خویی و آقای وحید سب ائمه را ملحق به سب نبی دانسته چنین می گوید: ملحق می شود به سب النبی سب ائمه علیهم السلام و سب فاطمه زهرا علیها السلام، جواز قتل سب کننده احتیاج به اذن حاکم شرعی ندارد،^{۱۱} (خویی، ۱۴۱۰ ق، ج ۲: ۴۳). (وحید خراسانی، ۱۳۸۶، ج ۳: ۴۸۲). جناب ابن فهد حلی در مهذب چنین می گوید: خون سب کننده نبی و ائمه علیهم السلام بر سامع آن حلال است در صورت که خودش در امن باشد،^{۱۲} (حلی، ۱۴۰۷، ج ۵: ۷۵). در بین فقهای امامیه اکثراً قائل به این است که سب کننده ائمه علیهم السلام و فاطمه زهرا علیها السلام، واجب القتل است، اما اینکه واجب القتل بودن آن به جهت ارتداد است یا حدّ مستقل، اختلافی است، چنانچه برخی از فقها چنین فرموده است: سب نبی، ائمه و فاطمه زهرا علیها السلام، بدون شک سبب قتل سب کننده می شود، اما موجب نجاست او نمی شود چون ملازمه بین قتل ساب و کفر آن نیست و این قتل ممکن است حدّ باشد مثل قتل مرتکب کبیره در مرتبه دوم،^{۱۳} (حلی، ۱۳۳۸، ج ۱: ۴۷۳). از انظار بعض مراجع دیگر به دست می آید که قتل ساب النبی و ائمه علیهم السلام را به جهت ارتداد می داند چنانچه فرموده: توهین به مقدسات حکم واحدی ندارد، توهین به خدا و کتاب آسمانی قرآن و یا به انبیاء و ائمه علیهم السلام مایه ارتداد است و در غیر این صورت تعزیر می شود، (سبحانی، ۱۳۸۹، ج ۳: ۵۴۳). از دیدگاه فقهای امامیه در حکم

قذف پیامبر، مادر پیامبر و دختران آن حضرت، قذف مادر و دختران امامان معصوم علیهم السلام، است و حکم واحد دارد، یعنی هرکه مادر یا دختران امامان معصوم را قذف کند واجب القتل است،^{۱۴} (نجفی، بی تا ج ۴۱: ۴۳۸) و اشخاص دیگری هم از دیدگاه فقهای امامیه مورد تقدیس قرار گرفته است، مثل حضرت ابوالفضل، علی اکبر، حمزه، زینب و خدیجه، علیهم السلام، توهین به هریک از این‌ها موجب مجازات خواهد بود. از جمله موارد اختصاصی که از دیدگاه فقه امامیه مورد تقدیس قرار گرفته است مشاهد مشرفه و قبور ائمه معصومین علیهم السلام، است که توهین به آن مجازات تعزیری خواهد داشت چنانچه گفته شده: توهین به مقدسات حکم واحدی ندارد، توهین به خدا و کتاب آسمانی قرآن و یا به انبیاء و ائمه علیهم السلام مایه ارتداد است و در غیر این صورت تعزیر می‌شود، (سبحانی، ۱۳۸۹، ج ۳: ۵۴۳).

د) مجازات توهین به مقدسات خاصه‌ی مذهب احناف

مقدسات خاصه از دیدگاه فقهای احناف را می‌توان به خلفای بعد از پیامبر و مجموع صحابه آن حضرت و ازواج رسول الله دانست، مقصود از خلفای بعد از پیامبر ابوبکر، عمر عثمان است که از تقدّس ویژه‌ی در نزد اهل سنت و مذهب حنفیه برخوردار است، ابن نجیم حنفی می‌گوید: در جوهره آمده سبّ شیخین و طعن به آن دو کفر و واجب القتل است، در اینکه توبه چنین شخص اگر توبه کرد دوباره اسلام آورد، قبول می‌شود یا نه؟ صدر شهید گفته توبه او قبول نمی‌شود و فقیه ابوللیث سمرقندی و ابونصر دبوسی هم قائل به عدم قبول توبه اوست و فتوی ما نیز بر عدم قبول توبه سبّ شیخین است، (ابن نجیم حنفی، ۱۴۲۲ ق: ۲۰۳). این مطلب در مجازات سبّ شیخین از بعض فقهای احناف نقل شده است در حالی که در سبّ الله و سبّ النبی قائل به قبول توبه‌ی کافر مرتد است، به همین جهت ابن عابدین حنفی مقدار طرف انصاف قدم برداشته و بر مطالب که از جوهره نقل شده و بر فتوای صاحب البحررائق اشکال کرده گفته: این مطلب درست نیست، قول که سبّ شیخین را کافر دانسته قول ضعیف و مخالف متون، شروح و اجماع است چه رسد به اینکه در صورت کفر دانستن قائل به عدم قبول توبه شود این مطلب که در سبّ النبی قائل به قبولی توبه باشیم در سبّ شیخین قائل بعدم

قبولی توبه باشیم این اصل اساس ندارد، در نتیجه سبّ شیخین بدون قذف عایشه اضلال و بدعت است. در سبّ عثمان فرموده: سبّ عثمان ملحق به سبّ النبی است یعنی حکم سبّ النبی را دارد،^{۱۵} (البکری، ۱۴۱۸ق، ج ۴: ۱۵۵). دیدگاه ابوحنیفه مثل دیگر مذاهب اهل سنت برای این است که سبّ و دشنام صحابه‌ی پیامبر بالاجماع موجب فسق می‌شود و در بعض کتب فقهی احناف آمده: کسیکه معتقد باشد صحابه کافر است او خود کافر شده است،^{۱۶} (ابن عابدین علاءالدین، ۱۴۱۵ق، ج ۱: ۵۸۱) نسبت به عایشه، اجماع فقهای احناف قائم به کفر قاذف عایشه است چنانچه ابن عابدین حنفی فرموده: قذف عایشه به اجماع موجب کفر قاذف می‌شود، قاذف توبه داده می‌شود اگر توبه نکرد کشته می‌شود، (ابن عابدین، ۱۴۲۶ق، ج ۴: ۴۲۳). راجع به مطلق سبّ عایشه و سبّ دیگر ازواج نبی از دیدگاه حنفی، مطلبی را نویسنده به آن نرسیده است و از دیدگاه دیگر مذاهب اهل سنت چنانچه قاضی ابن عیاض اظهار نموده در سبّ ازواج نبی غیر از عایشه دو تا قول است عده‌ی قائل به قتل سب کنندگی ازواج رسول ﷺ شده مثل سب کنندگی عایشه، چوب سبّ ازواج نبی را سبّ خود پیامبر دانسته و عده‌ی دیگر قائل به جلد حدّ مفتری شده است^{۱۷} (قاضی ابی الفضل، ۱۴۰۹ق، ج ۲: ۳۱۱). بنا براین از دیدگاه اکثر فقهای احناف مجازات سبّ شیخین، عثمان، صحابه‌ی رسول الله و قاذف عایشه قتل است؛ و نسبت به سبّ دیگر ازواج رسول الله از دیدگاه اهل سنت دوتا قول است عده‌ی قائل به قتل و عده‌ی دیگر قائل به مجازات حدّ مفتری شده است.

هـ) توهین به مقدسات فریقین از دیدگاه مکتب اسلامی

بر اساس مبانی دین اسلام مسلمانان مأمور به رفتار و گفتار نیک و داشتن اخلاق حسنه هستند، چنانچه در آیات کثیر از قرآن «قُولُوا لِلّٰیئَا» «قُولُوا کَرِیْمًا» «قُولُوا حَسَنًا» «قُولُوا مَعْرُوفًا» داریم، گذشته از اینکه در بین خودشان رعایت دیگری را داشته باشد نسبت به کفار هم حق سبّ و توهین را ندارد چنانچه این آیه از قرآن در این مورد بیان شده است: «وَلَا تَسُبُّوا الَّذِیْنَ یَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللّٰهِ فِیْسُبُّوا اللّٰهَ عَدْوًا بِغَیْرِ عِلْمٍ کَذٰلِکَ زَیَّنَّا لِکُلِّ اُمَّةٍ عَمَلَهُمْ ثُمَّ اِلٰی رَبِّهِمْ مَرْجِعُهُمْ فِیَنْبِئُهُمْ بِمَا کَانُوْا یَعْمَلُوْنَ» (انعام: ۱۰۸). (معبود) کسانی که غیر خدا را می‌خوانند دشنام ندهید

مبادا آن‌ها (نیز) از روی ظلم و جهل خدا را دشنام دهند، این چنین برای هر امتی عملشان را زینت دادیم سپس بازگشت آن‌ها به سوی پروردگارشان است و آن‌ها را از آنچه عمل می‌کردند آگاه می‌سازد (و پاداش و کیفر می‌دهد). علامه طباطبائی می‌فرماید: این آیه یکی از ادب‌های دینی را خاطر نشان می‌سازد که با رعایت آن، احترام مقدّسات جامعه دینی محفوظ مانده و دستخوش اهانت و ناسزا و یا سخریه نمی‌شود، چون این معنا غریزه انسانی است که از حریم مقدّسات خود دفاع نموده با کسانی که به حریم مقدّساتش تجاوز کنند به مقابله برخیزد و چه بسا شدت خشم او را به فحش و ناسزای به مقدّسات آنان وادار سازد، از عموم تعلیلی که جمله «كَذَلِكَ زَيْنًا لِّكُلِّ أُمَّةٍ عَمَلُهُمْ» آن را افاده می‌کند نهی از هر کلام زشتی نسبت به مقدّسات دینی استفاده می‌شود، (علامه طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۷: ۴۳۴). ممکن است سؤال در این آیه ایجاد شود که زینت دادن اعمال نیک و بد هر کس در نظرش، به خدا نسبت داده شده، مگر ممکن است خداوند عمل بد کسی را در نظرش زینت دهد؟ پاسخ این سؤال این است، این گونه تعبیرات، اشاره به خاصیت و اثر عمل است، یعنی هنگامی که انسان کاری را به طور مکرر انجام دهد، کم‌کم قبح و زشتی آن در نظرش از بین می‌رود و حتی به صورت جالب جلوه‌گر می‌شود و از آنجا که علت‌العلل و مسبب‌الاسباب و آفریدگار هر چیز خدا است و همه تأثیرات به خدا منتهی می‌شود این گونه آثار در زبان قرآن گاهی به او نسبت داده می‌شود، (مکارم، ۱۳۷۴، ج ۵: ۳۹۵). صاحب الطیب البیان در ذیل تفسیر این آیه روایتی را از امام باقر علیه السلام در وصایای حضرت رسول صلی الله علیه و آله نقل می‌کند که حضرت فرموده: «لا تسبّوا فتکسبوا العداوة» علت منع سب این است که سب موجب پیدایش عداوت می‌شود، (طیب، ۱۳۷۸، ج ۵: ۱۶۷)؛ و همچنین آلوسی دانشمند معروف سنی، در تفسیر روح المعانی نقل می‌کند که بعضی از عوام جاهل هنگامی مشاهده کرد بعضی از شیعیان، سب شیخین می‌کند، ناراحت شد و شروع به اهانت به مقام علی علیه السلام کرد، هنگامی که از او سؤال کردند چرا به علی علیه السلام که مورد احترام تو است اهانت می‌کنی؟ گفت: من می‌خواستم شیعه‌ها را ناراحت کنم زیرا هیچ چیز را ناراحت‌کننده‌تر از این موضوع برای آن‌ها ندیدم،^{۱۸} (آلوسی، ۱۴۱۵ ق، ج ۴: ۲۳۷) و در نهج البلاغه از امیرالمؤمنین نقل شده هنگام که اصحاب آن حضرت در جنگ صفین به اهل شام دشنام دادن آن حضرت فرمود:

«إِنِّي أكره لكم أن تكونوا سبّابين» (نهج البلاغه، خطبه: ۲۰۱). بنا براین سب و دشنام به هیچ کس از دیدگاه اسلام جایز نیست. ممکن است سؤال مطرح شود که ما در دین و اعتقادات خودمان لعن داریم آیا لعن به معنی سب، اهانت و دشنام نیست؟ بر اساس پاسخ از بزرگان دینی جواب چنین خواهد بود: سب و ناسزا و همچنین اهانت نسبت به هیچ کس جایز نیست. ولی لعن نه سب است نه اهانت. «لعن» به معنای طرد و دوری از رحمت است و مورد آن افراد ظالم و شرور می باشد. در لعن می خواهیم که خدا افراد ظالم و شرور را طرد کند و از رحمت خویش دور نماید؛ و در حقیقت لعن اظهار بیزاری از ظلم و جنایت است و در قرآن کریم می خوانیم: أَلَا لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الظَّالِمِينَ، (منتظری، ۱۳۸۴، ج ۲: ۳۳۶).

بنابراین توهین به مقدسات مذاهب از دیدگاه منابع اسلامی جایز نیست چون موجب دشمنی، اختلاف و سبب ارتکاب گناهان کبیره می شود و این مسائل از دیدگاه اسلامی ممنوع است و عاملین چنین اعمال موجب مجازات دانسته شده است.

نتیجه

خلاصه بحث این شد که مجازات توهین به مقدسات مشترک از دیدگاه فقه اهل بیت و احناف تفاوت فاحش نداشته، در مجموع در سه مورد اختلاف نظر دیده شده است.

۱- در توهین به خداوند، ملائکه و انبیاء و قرآن، در بین فقهای امامیه اختلافی است که قتل آن از باب حدّ ارتداد است یا حدّ مستقل و از دیدگاه فقهای احناف قتل آن از باب حدّ ارتداد دانسته شده است چون در هیچ کتب آن ها به عنوان بحث مستقل مطرح نشده فقط در موارد ارتداد این مباحث آورده شده است.

۲- فقهای امامیه توبه ی شخص توهین کننده را در موارد مذکوره قابل قبول ندانسته مطلقاً چه توبه کند یا نه و چه اینکه مسلمان باشد یا کافر ذمی کشته می شود، اما فقهای احناف در صورت توبه نمودن توهین کننده و برگشت به اسلام و بودن توهین کننده کافر ذمی واجب القتل ندانسته اند. ۳- توهین به صحابه ی رسول خدا (با در نظر داشت بخش از صحابه) از دیدگاه امامیه موجب تعزیر است و از دیدگاه اکثر فقهای مذهب حنفیه توهین به صحابه ی رسول خدا موجب

قتل دانسته شده است.

موارد اختصاصی توهین به مقدّسات از دیدگاه فقه امامیه، ائمه معصومین علیهم السلام، مشاهد مشرفه و اشخاص دیگری مثل ابوالفضل، علی اکبر، زینب کبری، فاطمه معصومه و ... ذکر شده است که توهین به ائمه معصومین بر طبق دیدگاه غالب، موجب قتل و در دیگر موارد موجب تعزیر دانسته شده است. از مقدّسات مخصوص اهل سنت و احناف که دارای حکم اختصاصی است، ازواج النبی، خلفای راشدین، مطلق صحابه بودن و عشره مبشّره است که مجازات توهین به این موارد از دیدگاه اکثر فقهای احناف قتل بیان شده است. در اخیر، توهین به مقدّسات مذاهب اسلامی و غیر اسلامی از دیدگاه منابع اسلامی ممنوع دانسته شده است.

پی‌نوشت‌ها

١. فمن سبَّ الله فإنه يقتل لا خلاف.
٢. من سبَّ الله تعالى كفر وكذا من استهزأ بالله تعالى، أو بآياته، أو برسله، أو كتبه، سواء فعل ذلك على سبيل الجدّ أو الهزل وكذا من سبَّ النبي ﷺ أو أحد الأئمة عليهم السلام و جاز لسامعه قتله ما لم يخف الضرر على نفسه أو ماله أو بعض المؤمنين.
٣. وربما يلحق بهم سب بقية المعصومين من الأنبياء السابقين و الملائكة المقربين عليهم السلام.
٤. لا تقبل توبة من سب الله تعالى، أو سب رسولا، أو ملكا صريحا، بل يقتل حدا، وفاقا للمالكية و خلافا للشافعية و الحنفية.
٥. و مما كان الإمامية منفردة به: القول بأن من سب النبي ﷺ مسلما كان أو ذميا قتل في الحال و خالف باقي الفقهاء في ذلك، فقال أبو حنيفة و أصحابه: من سب النبي ﷺ أو عابه و كان مسلما فقد صار مرتدا و إن كان ذميا عزر و لم يقتل.
٦. و عن التحرير إلحاق أم النبي ﷺ و بنته به من غير تخصيص بفاطمة عليها السلام مراعاة لقدره ... قلت: هو كذلك بالنسبة إلى قذفها عليها السلام و كذا بالنسبة إلى أم النبي ﷺ باعتبار ما علم أنه ﷺ لم تنجسه الجاهلية بأنجاسها و أما سب فاطمة عليها السلام فلعله من جهة العلم بكونها في الاحترام كأولادها (سلام الله عليهم) و أما غيرها فالمتمجه ذلك إن كان بحيث يرجع إلى صدق سب النبي ﷺ.
٧. وقاذف أم النبي ﷺ مرتد يقتل إن لم يتب و لو تاب لم تقبل توبته إذا كان ارتداده عن فطرة كما لا تقبل توبته في غيره على المشهور و الأقوى قبولها و إن لم يسقط عنه القتل و لو كان ارتداده عن ملة قبل إجماعا و هذا بخلاف ساب النبي ﷺ فإن ظاهر النص و الفتوى وجوب قتله و إن تاب و من ثم قيده هنا خاصة و ظاهرهم أن ساب الإمام كذلك
٨. قال صاحب المسالك: باقى الأنبياء يلحقون بالنبي الكريم فى هذا الحكم، لأن تعظيمهم من صميم دين الإسلام و روى الإمام الرضا حفيد الإمام الصادق عن آبائه عن جدهم الرسول الأعظم ﷺ أن من سب نبيا من الأنبياء قتل و من سب صاحب نبى جلد و أيضا أجمعوا على أن من سب على بن أبى طالب فدمه هدر.
٩. من سبَّ أحد من الصحابة فهو فاسق و مبتدع بالاجماع ... انما يقتل عند علمائنا سياستا لدفع فسادهم و شرهم.
١٠. الشعائر ومدى ارتباطها بمعانيها الدينية تختلف من مكان إلى مكان آخر فالكعبة ترتبط بمعنى ديني عند عامة الناس، من جهة القدسية أكثر من المسجد الحرام، وقداسة المسجد الحرام أكثر من مكة المكرمة، حتى

أن الأحكام وردت شدة وضعفاً بشأن من تسوّل له نفسه بالهتك فمن هتك حرمة الكعبة حكم عليه بالقتل، بينما من هتك حرمة المسجد لا يحكم الحكم نفسه بل يحكم عليه بالتعزير

۱۱. ويلحق به (ای سبّ النبی) سب الأئمة عليهم السلام و سبّ فاطمة الزهراء عليها السلام و لا يحتاج جواز قتله إلى الاذن من الحاكم الشرعی.

۱۲. يقتل من سب النبي صلى الله عليه وآله و كذا من سب أحد الأئمة عليهم السلام و يحل دمه لكل سامع إذا أمن.

۱۳. لا يخفى أن سب النبي صلى الله عليه وآله و الأئمة عليهم السلام أو الزهراء، موجب للقتل كما هو محقق في محله في الحدود و لكن ذلك لا يوجب نجاستهم إذ لا ملازمة بين قتل الساب و كفره، بل يمكن أن يكون حداً تقتل مرتكب الكبيرة في المرتبة الثانية.

۱۴. لو قذف النبي صلى الله عليه وآله فهو مرتد و وجب قتله و لا تقبل توبته إذا كان مولوداً على الفطرة و كذا لو قذف أم النبي صلى الله عليه وآله أو بنته و كذا أم الإمام عليه السلام أو بنته

۱۵. يلحق بسب النبي صلى الله عليه وآله سب الشيخين و عثمان و على رضى الله عنهم.

۱۶. اعتقد كفر الصحابه كافر بالاجماع.

۱۷. قَالَ وَمَنْ سَبَّ غَيْرَ عَائِشَةَ مِنْ أَزْوَاجِ النَّبِيِّ صلى الله عليه وآله فَفِيهَا قَوْلَانِ أَحَدُهُمَا يَقْتُلُ لِأَنَّهُ سَبَّ النَّبِيِّ صلى الله عليه وآله بِسَبِّ حَلِيلَتِهِ وَالْآخَرُ أَنَّهَا كَسَائِرُ الصَّحَابَةِ يَجْلَدُ حَدَّ الْمُفْتَرِي.

۱۸. و مما شاهدناه أن بعض جهلة العوام أكثر الرافضة سب الشيخين رضى الله تعالى عنهما عنده فغاظه ذلك جدا فسب عليا كرم الله تعالى وجهه فسئل عن ذلك فقال: ما أردت إلا إغاثتهم و لم أر شيئاً يغيظهم مثل ذلك فاستتيب عن هذا الجهل العظيم.

کتابنامه

قرآن کریم

نهج البلاغه

- آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، بیروت، انتشارات دارالکتب العلمیه، چ: اول، ۱۴۱۵ ق.
- ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت، دار صادر، طبع الثالث، ۱۴۱۴ ق.
- ابن فهد حلّی، احمد بن محمد. محقق مجتبی عراقی، المذهب البارِع فی شرح المختصر النافع، قم، جماعة المدرّسين فی الحوزة العلمیة بقم. مؤسسة النشر الإسلامی، ۱۴۰۷ ق.
- ارده بیلی، محمد علی، حقوق جزای عمومی، تهران، نشر میزان، چ: بست و ششم، ۱۴۰۱.
- البکری، محمد شطاد میاطی، اعانه الطالبین، بیروت، انتشارات دارالفکر، ۱۴۱۸ ق.
- جزیری، عبدالرحمن، غروی، سید محمد، یاسر مازح، الفقه علی المذاهب الأربعة و مذهب اهل البيت (علیهم السلام)، بیروت، دار الثقلین، چ: اول، ۱۴۱۹ ق.
- حلّی، علامه، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی، تحریر الأحکام الشرعیة علی مذهب الإمامیة، قم، مؤسسه امام صادق (علیه السلام)، چ: اول، ۱۴۲۰ ق.
- حنفی، ابن نجیم، البحر رائق شرح کنز الدقائق، بیروت، دار احیای تراث عربی، چ: اول، ۱۴۲۲ ق.
- خویی، سید ابوالقاسم، منهاج الصالحین (خویی)، قم، مدینه العلم، چ: بیست هشتم، ۱۴۱۰ ق.
- رضایی، فاطمه، توهین به مقدّسات، پایان نامه ارشد، موسسه، آموزشی عالی شهیده بنت الهدا، ۱۳۹۳.
- زراعت، عباس، بررسی جرم اهانت به مقدّسات اسلام، نشریه دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، شماره: ۵۶، صفحات: ۱۴۳-۱۶۶، ۱۳۸۱.
- سبحانی تبریزی، جعفر، استفتاءات، قم، مؤسسه امام صادق (علیه السلام)، ۱۳۸۹.
- سهلانی، حیدر، فقه العتبات المقدّسة، قم، دلیل ما، چ: اول، ۱۳۸۷.
- شریف مرتضی، علی بن حسین موسوی، الانتصار فی انفرادات الإمامیة، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرّسين حوزه علمیه قم، چ: اول، ۱۴۱۵ ق.
- صادقی، میر محمد حسین، جرایم علیه شخصیت معنوی اشخاص، تهران، میزان، چ: پنجم، ۱۴۰۲.

- طوسی، ابوجعفر، محمد بن حسن، **الخلاف**، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چ: اول، ۱۴۰۷ ق.
- طیب، سید عبدالحسین، **اطیب البیان فی تفسیر القرآن**، تهران، انتشارات اسلام، چ: اول، ۱۳۷۸.
- عاملی، شهید ثانی، زین الدین بن علی، **الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة (المحشی کلاتر)**، ۱۰ جلد، قم، کتابفروشی داوری، چ: اول، ۱۴۱۰ ق.
- علاء الدین ابن عابدین محمد، **تکمله حاشیه رد مختار**، بیروت، انتشارات: دارالفکر، ۱۴۱۵ ق.
- علامه طباطبائی، محمدحسین، **ترجمه تفسیر المیزان**، موسوی همدانی، سید محمدباقر، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چ: ۵، ۱۳۷۴.
- عمید، حسن، **فرهنگ فارسی**، تهران، امیرکبیر، چ: هفتم، ۱۳۷۵.
- قاضی ابی الفضل عیاض، **الشفا بتعریف حقوق المصطفی**، بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۹ ق.
- گلدوزیان، ایرج، **حقوق جزای اختصاصی**، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چ: هشتم، ۱۳۸۰.
- محمدامین ابن عابدین، **حاشیه ردّ المحتار علی الدرالمختار شرح تنویرالابصار فی فقه مذهب الامام ابوحنیفه**، بیروت لبنان، انتشارات دارالفکر، ۱۴۲۶ ق.
- مرعشی نجفی، سید شهاب الدین، **القصاص علی ضوء القرآن و السنة**، ۳ جلد، قم، انتشارات کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی رحمته الله، چ: اول، ۱۴۱۵ ق.
- معین، محمود، **فرهنگ فارسی**، تهران، امیرکبیر، چ: هشتم، ۱۳۷۱.
- مغنیه، محمدجواد، **فقه الإمام جعفر الصادق**، قم، انصاریان، چ: دوم، ۱۳۷۹.
- مکارم شیرازی، ناصر، **گردآورنده ابوالقاسم علیان نژادی، تعزیر و گستره آن**، قم، مدرسه الإمام علی بن ابی طالب علیه السلام، چ: اول، ۱۳۸۳.
- _____، **استفتاءات (مکارم)**، قم، مدرسه الإمام علی بن ابی طالب علیه السلام، ۱۴۲۷ ق.
- _____، **تفسیر نمونه**، تهران، انتشارات: دارالکتب السلامیه، چ: اول، ۱۳۷۴.
- منتظری، حسینعلی، **استفتاءات (منتظری)**، تهران، نشر سایه، ۱۳۸۴.
- نجفی، محمدحسن، **جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام**، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چ: هفتم، ۱۴۰۴ ق.
- وحید خراسانی، حسین، **منهاج الصالحین (وحید)**، قم، مدرسه الامام باقرالعلوم علیه السلام، ۱۳۸۶.
- یزدی محمدکاظم بن عبدالعظیم، شارح: حلی، حسین، محرّر: حسن سعید، **دلیل العروة الوثقی**، نجف اشرف، مطبعة النجف، چ: اول، ۱۳۳۸.

